



## محرومیت و اشتراک زنان و مردان افغان در اتخاذ تصمیم

### خلاصه

بدون تردید، وضعیت زنان افغان یکی از برجسته ترین نقطه تمرکز قابل ملاحظه جامعه انکشاف بین المللی در زمان بعد از طالبان بوده است. زنان بعد از سالهای تشنج و محرومیت از محیط عامه، به تدریج به حیث یک نیروی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ظهور مینمایند. بنابر مشاهدات نماینده گان دولتی، دونه ها و جامعه همکاری بین المللی، پیشرفت در حقوق زنان از اواخر سال ۲۰۰۱ بدینسو سریع بوده است.

بعضی از این موفقیت‌های گسترده در عرصه پالیسی و حقوقی میباشد. دولت افغانستان قوانین تبعیضی علیه زنان را از میان برداشته و قانون اساسی را تصویب نموده که هیچ نوع تبعیضی میان مرد و زن قایل نشده است و امکانات بی نظیر را برای اشتراک بی سابقه زنان در انتخابات ملی از طریق آموزش مدنی، رای دهی و کاندیداتوری فراهم مینماید. داکتر مسعوده جلال، وزیر امور زنان اخیراً در مراسم دهمین سالگرد اعلامیه پکن اشتراک نموده و فعلاً طرح پلان ملی را برای زنان افغان که تمام دوازده ساحه مهم اعلامیه پکن را در برمیگیرد، رویدست دارد.

همچنان دست آورد های به سطح محلی بخاطر افزایش توجه دولت و دونه ها برای تهیه مستقیم کمک ها به جوامع موجود است. برای بار اول در سراسر کشور، زنان و جوانان، از میان گروه های که از نظر سنتی مورد مشوره قرار نگرفته اند سهم داده شدند تا در مورد انکشاف اولویت ها، دیزاین و تطبیق ضروریات شان در قریه و محلات خود تصمیم بگیرند. ازدیاد نقش روزافزون و حضور زنان به خصوص در برنامه همبستگی ملی<sup>۱</sup> (NSP) یک گام مثبت به سوی اشتراک عظیم افغانان در پروسه پیشرفت کشور شان تلقی میشود، که از جمله اصولی اند که در قانون اساسی جدید حمایت شده است.

اما مهم است که ببینیم آیا واقعاً این انکشافات نشاندهنده تغییرات مهم و پیشرفت برای زنانی که صدای خویشرا بلند کرده اند میباشد یا نه. با در نظر داشت ملیونها دالری که برای برنامه جنسیت در افغانستان اختصاص داده شده است، این مهم است که بازیگران انکشافی، دونه ها و دولت روی اینکه چه چیزی پیشرفت را تشکیل میدهد و چگونه اندازه شده میتواند موافقت نمایند. بخشی از این پروسه روی یک فهم بهتری از تحرک جنسیت در افغانستان و اینکه چگونه روی تغییر اجتماعی تاثیر میگذارد استوار خواهد بود. علاوه، ضروری است تا دست اندرکاران انکشافی به یک توافق عمومی روی اهداف

**در مورد نویسندگان:** شاننا ویکفیلد که یکی از نویسنده گان این گزارش است در سال ۲۰۰۴ مسئول برنامه پژوهش جنسیت و تصمیمگیری در سطح محلی این اداره بود که فعلاً به حیث مشاور منطوقی جنسیت در موسسه اکسفام، در آسیای جنوبی در کلمبیا، کار مینماید. برندی باور مسئولیت اداره و تنظیم امور نشراتی و ارتباطی این اداره را در عرصه های جنسیت/جنندر، حکومتداری، اقتصاد سیاسی و معیشت شهری به عهده دارد.

<sup>۱</sup> برنامه همبستگی ملی یک ابتکار سرتاسری است که از طرف وزارت احیا و انکشاف دهات رهبری میشود که سرمایه های مخصوص به محلات تهیه میکند که آنها را توانمند به برنامه ریزی، اولویت بخشیدن، تکمیل کردن، و سرمایه گذاری پروژه های انکشافی خودشان بسازند.

### چالشهای جنسیت

این توضیح نامه هشدار برای بازیگران انکشافی که بالای فرضیات مسایل جنسیت در افغانستان کار میکنند و فرصتهای برای شناخت حساسیت های جنسی برنامه ریزی، ساختار پالیسی و نشانه های موفقیتها، میباشد.

### محتویات

- ۱ مساوات، تعادل و جهت دهی جنسیت
- ۲ تعیین جایگاه زنان در تصمیمگیری
- ۳ کار با مردم در محلات
- ۴ راه های به پیش

و اصطلاحات یا کلمات پیرامون جنسیت، دست یابند: دولت، دونه‌ها و سازمانهای غیر دولتی مفاهیم مساوات و برابری جنسیت را شاید شامل جریان اساسی کار خود سازند اما یک تعریف مشترک به مفهوم افغانی آن موجود نمی باشد.

این توضیح نامه چالشی را در برابر پالیسی سازان و طراحان برنامه های انکشافی قرار میدهد تا تصورات شانرا به مفهوم افغانی آن که چه چیز مسایل جنسیت را در افغانستان تشکیل میدهد انعکاس دهند و فرصتهای را تثبیت نمایند تا برنامه های حساس جنسیت، تشکیل پالیسی ها و شاخص های موفقیت را مشخص نمایند. با استفاده از تحقیق واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در عرصه های جنسیت و تصمیم گیری<sup>۲</sup> در سطح محلی منحنی یک پشتوانه، این مقاله پیشنهاد میکند که در سطح محلی فعالیتی به راه انداخته شود تا:

**با در نظر داشت  
مليونها دالری که برای  
برنامه جنسیت در  
افغانستان اختصاص  
داده شده است این  
مهم است که بازیگران  
انکشافی، دونه‌ها و  
دولت روی اینکه چه  
چیزی پیشرفت را  
تشکیل میدهد و چگونه  
اندازه شده میتواند  
موافقت نمایند.**

- ارتقای آگاهی مسایل جنسیت به مفهوم افغانی آن میان کارکنان انات و ذکور در سازمانهای غیر دولتی و شعبات سازمان ملل متحد بهبود یابد. موسساتی که روی بهبود برابری جنسیت در سطح محلی کار میکنند در صورتی در کار خود موفق بوده میتوانند که کارکنان شان خود را در آن جوامع قرار بدهند. بررسی آگاهی خودی کارکنان در عرصه مفاهیم جنسیت، یکجا با آموزش های طویل المدت و آموزش بنا بر تجربه میتواند کارکنان محلی را به ایجاد تسلسل های به مفاهیم و اهداف جنسیت تشویق کند که در عین پروسه درس های مهمی را از آن بیاموزند.
- ارتباطات با زنان و مردان محلی را به منظور تثبیت مشخصتر از معضله های مفاهیم افغانی جنسیت افزایش بخشند. پالیسی سازان و دونه‌ها باید کارمندان شایسته و متعهد به امور جنسیت را در وزارت امور زنان، احیا و انکشاف دهات، صحت عامه و معارف و دیگر دفاتر منطوقوی و ولایتی مربوطه، تعیین نمایند. مسوولیت آنها شامل حمایت از کارمندان محلی به منظور تثبیت و اقدام در صورت ضرورت و فرصت های برای پاسخگویی اهداف برنامه های مربوط به جنسیت باشد که این همه نیازمند به تامین ارتباطات متداوم میان کارمندان محلی و زنان و مردان در محلات میباشد.

همچنان از نقطه نظر ادراکی و عملی مطالب ذیل گسترده تر از قبل مورد توجه قرار گیرند:

- پالیسی و ستراتیژی های هر کدام از سکتور ها در خصوص تعادل جنسیت و اینکه در عمل چی اتفاق می افتد بطور جداگانه بررسی شود تا خالیگاه وسازنده گی کار شناسایی شود. که بدینوسیله لازم است یک فعالیتی جهت مقایسه و تفاوت اهداف جنسیت میان دونه‌ها، وزارت خانه ها، و نماینده گی های سازمان ملل مربوطه هماهنگی لازمه صورت گیرد، که این کار فقط به اختصاص دادن وقت و منابع جهت تفتیش و ارزیابی برنامه ها و پروژه ها، امکان پذیر بوده میتواند. گروه مشورتی جنسیت میتواند یک میکانیزم فعال جهت اجرای این مقصد و تامین شفافیت بیشتر بین بازیگران جنسیت باشد.
- منابع برای طرح و فند ریزی پروژه های طویل المدت اختصاص داده شود. این طرح شامل برنامه با پیشقدمی های معین غیر جنسیت جهت جمع آوری سرمایه روی منابع که قبلاً به مصرف رسیده میباشد و باید اطمینان حاصل نمود که این برنامه مانع روند پیشرفت پروسه تعادل جنسیت در طویل المدت نمیشود.

<sup>۲</sup> در اوایل سال ۲۰۰۴ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اقدام به یک پروژه تحقیقاتی که هدف آن ایجاد یک درک بهتر از تصمیم گیری در واحد خانواده و مسایل محلی میان سازمان های غیر دولتی، سازمان ملل، دونه‌ها، و دولت افغانستان، بود. این توضیح نامه حاصل همین تحقیق، و همچنان کار تکمیل کننده که توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان که اشتراک جنسیت را در برنامه های همبستگی ملی بازرسی نمود، میباشد.

## ۱. مساوات، تعادل و جهت دهی جنسیت

ارزیابی، استخدام نمودن کارمندان، و امور بودجه سازی). این ستراتیژی توسط بانک جهانی و همه دونه‌ها بزرگ قبول گردیده است و در بیشتر اسناد ستراتیژی افغانستان و میکانیزم‌های کمک بشری شامل گردیده است. در حالیکه، لازم است که منجیت یک پروسه شناخته شود تا یک هدف که برای جنسیت فعالیت میکند و بس، زیرا که نقش‌ها و روابط جنسیت دائماً در تغیر میباشد<sup>۴</sup>. مثلیکه درک این واقعات عمیق بوده، پس راه‌های انجام جهت دهی جنسیت که تطبیق شده نیز است.

یک تعداد راه‌های موجود است که متخصصین انکشافی برای رسیدن به برابری و تعادل جنسیت در برنامه‌های شان از آنها استفاده می‌کنند که شامل موارد ذیل میشود:

- بهبود پالیسی و تغیرات نهادی
- افزایش توجه به اختلافات جنسیت
- افزایش حمایت از شبکه‌ها و سازمان‌های زنان و
- شامل نمودن مردان منجیت همکاران در طرح برنامه‌های مربوط به جنسیت<sup>۵</sup>

یکی از چالش‌های اساسی برخورد به برابری جنسیت در افغانستان، عدم آگاهی از واقعیت‌ها در سطح محل در ارتباط با مسایل جنسیت میباشد. گزارش واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان روی جنسیت و تصمیم‌گیری در سطح محلی، مثال‌های مختلفی از روابط جنسیت را فراهم نموده و نشان میدهد که اینها چگونه میتوانند اشتراک زنان و مردان در فعالیت‌های انکشافی را متاثر سازند، و تلاش‌یست جهت تحلیل از وضعیت جنسیت که مرکز پلانگذاری برای انکشاف خوب و متوازن میباشد.

اما هنوزهم سوالاتی زیادی در مورد ارتباطی این مفاهیم و پالیسی‌ها به مفهوم افغانی آن موجود است، در یک کشوری که به طور عموم قبول شده است که ضروریات و خواسته‌های خانواده مربوط به افراد آن خانواده می‌باشد. بزرگان جوامع، همسران و پدران میگویند که زنان خواسته‌های از خود ندارند یا این که خواسته‌های زنان همانند خواسته‌های آنان میباشد. همچنان مبتنی بر یافته‌های تحقیق این موسسه که در خصوص جنسیت و تصمیم‌گیری در سطح محل صورت گرفته است نظر و دیدگاه عموم مردم بدین بود که "زنان هیچ مشکلی ندارند".

شامل ساختن جنسیت منجیت یک بخش از تحلیل و فعالیت در برنامه انکشافی یکی از برجسته‌ترین طرق برخورد با انواع تبعیض و انزوا میباشد. زنان از بهره‌گیری معاونت‌ها در گذشته در حاشیه قرار گرفته بودند، اما اکنون بکلی درک گردیده است که تجارب مختلفی که زنان و مردان از زنده‌گی دارند باید در نظر گرفته شود. اکثریت دونه‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و نماینده‌گی‌های سازمان ملل بهبود حقوق و دسترسی مساویانه مردان و زنان به منابع را یک تمرین خوب به سوی پیشرفت تلقی میکنند.

در غیر اینصورت، کدام ستراتیژی یگانه که جنسیت شامل برنامه انکشافی گردد وجود ندارد. در افغانستان همانند جا‌های دیگر، برخورد به نابرابری جنسیت فقط از طریق بهبود حقوق زنان و شرکت آنها در پروسه برنامه‌های انکشافی جهت تقویت، رشد اقتصادی و کاهش فقر بوده است. هر دو به این واقعیت پی برده اند که جنسیت ساحه ایست که باید با فاکتورهای دیگر (مانند: عمر، طبقه و نژاد) و در تمام سکتورهای برنامه انکشافی یکجا مد نظر گرفته شود. در مفهوم بین‌المللی، جهت دهی جنسیت کلاً منجیت یک روند که جنسیت را در مرکز انکشاف پالیسی و تمرین پیشرفت بیاورد اتخاذ گردیده است. به این مفهوم که مسایل جنسیت در تمام جنبه‌های پالیسی و برنامه ریزی شامل ساخته شود، (مثلاً بررسی نیازمندیها، شکل دهی، نظارت و

### اصطلاحات عام انکشاف جنسیت

**تبعیض جنسیت:** تکذیب با قاعده حقوق فرد، فرصتها و دسترسی به منابع مبنی بر جنسیت.

**مساوات جنسیت:** زنان و مردان فرصتهای یکسان در زنده‌گی داشته باشند، به شمول توانایی شرکت در محیط عامه.

**تعادل جنسیت:** مساوات در دستاورد زنده‌گی برای زنان و مردان: تعادل جنسیت یک ضرورت توزیع دوباره قدرت و منابع، و همچنان درک ضروریات و علاقه مندی‌های مختلف زنان و مردان را تصدیق میکند.

**جهت دهی جنسیت:** یک روند سازمان دهی شده که هدف آن آوردن جنسیت در تمام جنبه‌های پالیسی و فعالیت‌های یک نهاد، از راه ساختار ظرفیت و جوابگویی میباشد.

گرفته شده از جنسیت و پیشرفت: تصورات و توضیحات، ریویس و بادن (Reeves and Baden)، سال ۲۰۰۰.

<sup>۴</sup> سیبی آریایجان مقدم، اپریل سال ۲۰۰۲، گزارش میکانیزم واکنش سریع کمیسیون اروپا (EC MRR) ماموریت تشخیص مالی در افغانستان، رهنمودهای جنسیت، کابل: کمیسیون اروپا.

<sup>۵</sup> سازمان انکشافی و تعاون اقتصادی (OECD)، سال ۱۹۹۸، مفاهیم و خط مش‌های مساوات جنسیت، پاریس: سازمان انکشافی و تعادل اقتصادی

<sup>۶</sup> بانک جهانی، سال ۲۰۰۱، توسعه جنسیت از راه مساوات جنسیت در حقوق، منابع و صدا، گزارش تحقیق پالیسی بانک جهانی، واشنگتن دیسی: نشریه پوهنتون آکسفورد

بهبود بخشند؟ و بخشهای بعدی روش ها و شاخص های که در سطح ملی و محلی برای بیشتر قادر ساختن زنان جهت تصمیم گیری و شکل گیری فعالیت های انکشافی بوده است.

با در نظر داشت این واقعیت، دست اندر کاران برنامه انکشافی و دیگران چگونه میتوانند اولویت های ما معرفی نمایند که حقوق، فرصتهای مساویانه و دسترسی به منابع را میان زنان و مردان

## ۲. تعیین جایگاه زنان در تصمیمگیری

در طول دهه گذشته، نهاد های جدیدتری توسط سازمان های غیر دولتی و نماینده گی های سازمان ملل تاسیس گردیده، اگر چه نقش طویل المدت آنها در تاسیس نورم ها و اصول محلی- و یا تغییر شکل نهاد های موجود قابل ملاحظه و مشاهده میباشد.

مردم در سطح جامعه<sup>۲</sup> به شکل عموم شورا را مهمترین نهاد بشمار میاورند، زیرا این یگانه نهادیست که مردم را به کار می اندازد. شورا یک ارگان غیر رسمی برای تصمیم گیری و راه حل منازعات اقتصادی، سیاسی و بعضی اوقات موضوعات اجتماعی است. مانند بیشتر نهاد های سنتی افغانستان شامل از موسفیدان و زمینداران میباشد. انعکاس دهنده بیرون بودن مداوم زنان از نماینده گی و نقشهای مستقیم شان در رهبری میباشد، مردان مسئولیت تایید ارزشهای جمعی جامعه را دارند. در سالهای اخیر بعضی از شورا ها نقش های متفاوتی را داشته اند، و برخی از آنها توسط کسانیکه شورا را جهت مقاصد شخصی، اقتصادی و سیاسی خود که به قیمت زنده گی مردم محل تمام میشود استعمال مینمایند. ولی باز هم این شوراها در تصمیم گیری که رفاه مردم محل را متأثر میسازد، همچنان با نفوذ باقی میمانند.

از اوایل سال ۱۹۹۰، سازمان های زیاد انکشافی مصروف ایجاد مجمع های دیگر "نهادها" که به شکل شورای محلی میباشد بوده اند. به این باور که میتوان آنها را طوری عیار ساخت که باعث تشویق بیشتر دیموکراتیک بودن و سهمگیری در انکشاف جامعه محلی شوند. در مناطق شهری، سازمان ملل- هیئات مجمع های محلی را به حیث میکانیزم ابتدایی انکشاف به راه انداخت، در حالیکه، در مناطق روستایی این ساختار ها به شکل نهاد های سازمانهای قریه وی توسط سازمان های غیر دولتی تاسیس شده اند و اخیراً با ایجاد شورای انکشاف محلی در چوکات برنامه همبستگی ملی شکل تازه گرفتند. این نهاد ها قصد دارند که منابع مالیاتی و بشری (مانند، سرمایه های مخصوص به محلات، کمک های تخنیککی) و خدمات اولیه (آب، سرکها، مکاتب) را برای محلات تهیه نمایند. این شوراها از نقطه نظر توجه بیشتر روی زنان به حیث یک هدف گروهی برای ابتکارات انکشاف محلی قابل یاد آوری میباشد. اختصاص ۱۰ فیصد بودجه از طریق

به کار انداختن میکانیزم ها و پروسه های مناسب جهت قادر ساختن زنان برای اشتراک در روند انکشافی و ایجاد شرایط لازم برای سهم دادن شان در تشخیص اولویت ها و ایجاد علاقمندی به منافع شان کافی نمی باشد بلکه شرایط فهمیدن زمینه های محلی و شاخص های مشخص که واقعاً چه چیزهای برای زنان افغان و توسط آنها در جوامع شان بدست آمده میتواند نیز ضروری می باشد.

بسیاری اوقات سهمگیری سمبولیک زنان در نهاد های عامه به حیث یک موفقیت تلقی شده و شاخص های محسوس مانند، ایجاد محل فزیکتی برای زنان و یا حضور تعداد زنان در فعالیتهای عامه به حیث برابری جنسیت نشان داده شده است. در شرایط افغانستان میتوان گفت که این پیشرفت ها نمایانگر نوع تغییرات میباشد. که از طرف دیگر شناسایی نوع تغییرات مهم میباشد. ممکن زنان بالای میز حضور داشته باشند آیا این جای است که تصمیم اتخاذ میگردد؟ حضور شان روی میز میتواند آنها را صلاحیت دهند که با تصمیمی که موافق نیستند مخالفت نمایند؟

استدلال میشود که اشتراک واقعی زنان محض متکی به حضور شان در نهاد ها نه بلکه تبدیل این نهاد ها به محلیکه افراد بتوانند برای خود شان تصمیم بگیرند و عمل کنند، میباشد. اشتراک در برنامه های انکشافی وقتی با ارزش است که قادر باشند تا زنان و مردان را "به محض اینکه برای شان گفته شود به اینکه از ایشان سوال شود و به تصمیم گیری گذار یابند و بتوانند در شکل دهی عملیات نقش داشته باشند".

### نهاد های محلی: نو و سابقه

این تمرکز بیشتر برنامه ریزی جنسیت در افغانستان روی حمایت از نهاد های محلی برای رسیدن به زنان "که در چه وضعیتی قرار دارند" میباشد. نهاد های ابتدایی در سطح محل در هر جا از هم متفاوت اند، اما در شرایط افغانستان عموماً شامل خانواده<sup>۳</sup> یا فامیل، و شورای محلی میباشد. این نهاد ها روی اصول قرار دارند، نورم ها، اعمال، و تمرین ها را که به مرور زمان و در خدمت اهداف و ارزش های جمعی میباشد، پافشاری میکنند.

<sup>۲</sup> اختلاف نظر وجود دارد که یک "محله" ساخته چی است. در شرایط افغانستان یک قریه و یا گذر را به نام محله مینامند، اما این واحد ها همیشه هویت و تمایل یکسان ندارند، آنها نیت دارند که ضروریات و تمایلات آنها را که یک صدای عام ندارند تا مفهوم بسازند، مانند زنان.

<sup>۳</sup> واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان "خانواده" را در این متن به واحد که همه از یک دیگ غذامیخورند تلقی میکند. مقاله واقعی در شرایط افغانستان متفاوت میباشد. که به نوبه خود کار را برای مقایسه و تفاوت واقعات خانواده مشکل میسازد.

شوراهای محلی برای زنان در برنامه همبستگی ملی اهمیت خاصی دارد.

اما آیا این نهاد های جدیدالتشکیل میتواند مردمان بیشتر در حاشیه قرار گرفته را شامل سازند و موثریت بیشتر در جهت ارایه کمک ها نظر به شوراهای سابقه داشته باشند؟ بعضی از شواهد بدست میاید که تفاوت چندانی میان شوراهای تازه ایجاد شده و شوراهای سابقه عنعنوی وجود نخواهد داشت. مطالعه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مناطق روستایی به طور مثال در ولایت سمنگان نشان میدهد که شوراهای قریه وی که توسط سازمانهای غیر دولتی ایجاد شده اند و شوراهای عنعنوی از نقطه نظر دینامیک قدرت محلی ویا اینکه چه منفعتی برای محل میاورند کاملاً با هم مشابه اند، از مطالعه اوضاع برمیاید که علاقمندی زیادی در سطح محلی وجود ندارد تا ساختارهای موجود به منظور اشتراک همگانی و برابری مطابق اهداف سازمانهای مطرحه غیر دولتی تطبیق گردد.<sup>۸</sup>

در حالیکه نهاد های محلی جدید که از طرف سازمان های انکشافی تاسیس گردیده اند طوری طرح گردیده اند که بیشتر وسیع بوده شامل کسانی نیز میشوند که کمتر نمایندگی داشته اند، افزایش تعداد این مردم در شورا ها اشتراک واقعی آنها را در شوراها تامین نمی نماید. ظاهراً زنان و مردان را محترم شمرده و از آنها استقبال صورت خواهد گرفت ولی نفوذ آنها محدود خواهد بود. به طور مثال، شوراهای محلی که از توسط دفتر اسکان بشر سازمان ملل متحد (UN-HABITAT) در مزار شریف تاسیس گردیده به صورت فعال زنان و مردان را برای نمایندگی از گذر تشویق می کنند تا خواسته ها و ضروریات خود را بیان دارند. در حالیکه هیچ کدام از باشندگان گذر در جواب ها به مصاحبه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان "شراکت در تایین ضروریات گذر، در اتخاذ تصمیم که کدام پروژه روی آن گماشته شود، فایده گرفتن از آن تصمیم و یا آگاهی از اینکه کمکها به کجا رفتند، گزارشی ندادند."<sup>۹</sup>

شوراهای انکشافی محلی که توسط برنامه همبستگی ملی (NSP) تشکیل شده است همچنان از جهت سهمگیری مورد توجه قرار گرفته است، زیاتر زنان در انتخابات و همچنان عضویت واقعی آنها در شورا ها ی مشابه اشکار ساخت که در یافته های مطالعه این موسسه که در ۳۰ محل مختلف صورت گرفته نشان میدهد که تنها سه نفر زن در شورا های انکشافی محلی مشترک زنان و مردان به حیث عضو کامل اشتراک داشتند. در محلات دیگر حتی اگر زنان رسماً در شورا های انکشافی محلی انتخاب شده بودند اما به آنها اجازه داده نشده که در جلسات و مباحث مشترک سهم داشته باشند. درچنین نمونه ها، بعضی اوقات شورای جداگانه زنان تشکیل شده، و ارتباطی بین شورای زنان و شورای انکشافی محلی مردان هماهنگی نبوده ویا اصلاً وجود نداشت.<sup>۱۰</sup> در ماهیت این یافته ها خاطر نشان میسازد که در کوشش جهت بسر رساندن "قانون نامه" برنامه همبستگی ملی، بنیاد شمولیت، موضوع که این برنامه جهت آن ساخته شده بود مورد توجه قرار نگرفته است.<sup>۱۱</sup>

### سنجش غلط موفقیت ها

در حالیکه شورا های محلی برنامه همبستگی ملی و نهاد های جدید محلی اشتراکی تلقی شده اند، دولت و سازمان های غیر دولتی دیگر باید درک نمایند که دست آورد شراکت، حساسیت های جنسیت رابه صورت حتمی تضمین نمیکند. در حقیقت، "در حالیکه اولویت های انکشافی مشترک ارتباطات قدرت که در

پیشنهاد این نیست که تمام نهاد های محلی تازه را مردم فقط مثل یک "شورای دیگر" ببینند. با مشاهده از شورا های انکشافی محلی در مطالعه که واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انجام داد دریافت نمود که بیشتر اعضای محلی در قریه های که برنامه همبستگی ملی تطبیق گردیده است شورا های انکشافی محلی (CDC) را با اعتبار تر از شوراهای دیگر میدانند بخاطری که آنها در انتخابات شورا های انکشافی محلی مستقیماً اشتراک میکنند، و این شورا ها نزد حکومت راجستر و به ان صلاحیت داده شده است. در عین حال دفتر پاملرنه و براک، همکاران محلی در تطبیق و تکمیل امور برنامه همبستگی ملی اظهار داشتند که در بعضی از مناطق بیشتر اشخاصی منتخب در شورا انکشافی محلی از جمله نخبه گان مردم میباشند.<sup>۱۲</sup> تحقیق جاری واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان نشان میدهد که مداخله اشخاص قدرتمند محلی در امور شورا های محلی به مرور زمان کاهش میاید.

### تداوم حاشیه گذاری

تسلط دوامدار اشخاص قدرتمند در نهاد های محلی مفاهیم زیادی برای فعالین انکشافی به شمول آنها که روی مسایل جنسیت کار میکنند، افاده مینماید. شورا های سنتی روی نابرابری اجتماعی استوار میباشند، که اکثر آنها مانع اشتراک مردم محل به خصوص زنان میشود. در نتیجه بیشتر اهالی محل از تعیین مسایل برای ملاحظه یا دست آورد تصمیم شورا محروم گردیده و صدای آنها شنیده نمیشود.

<sup>۸</sup> شانا ویکفیلد، سال ۲۰۰۴، جنسیت و تصمیم گیری در سطح محلی: دریافته از مطالعه یک فرد در مزار شریف، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.

<sup>۹</sup> بویسن سال ۲۰۰۴.

<sup>۱۰</sup> منظور این نیست که هرچند که شورا های زنان بدون فایده آنها نمی باشد. آنها به زنان فرصتی که مسایل شانرا مورد گفتگو قرار بدهند و راه های همایه متقابل را پیدا کنند در حالیکه در گذشته آنها همچنین مجمع شاید داشتند.

<sup>۸</sup> شانا ویکفیلد، ۲۰۰۵، امور جنسیت و تصمیم گیری در سطح محلی: دریافته از مطالعه یک فرد در سمنگان، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان  
<sup>۱۱</sup> انگر دلیو بویسن (Inger W Boesen) سال ۲۰۰۴، از زیر سلطه به شهروند عادی رسیدن، اشتراک عامه در برنامه همبستگی، ملی کابل افغانستان، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.

حضور فیزیکی زنان در نهاد های محلی یک اندازه گیری نادرست از دست آورد های اهداف جنسیت میباشد. به نوبه خود، کارمندان سازمانهای که در تکمیل این نهاد ها کمک میکنند میتوانند ضرورت حضور زنان را مطالبه نمایند، ولی زمان، پول یا تمایل به تعقیب و اطمینان که آنها اندیشه های زنان را پدیدار ساخته و به آنها توجه شود، نخواهد داشت. همچنان آنها خودشان فاقد آگاهی از حقوق زنان و یا فهم اینکه چگونه کارهای شان را با مردمان بیسواد محل تسهیل نمایند میباشد. سازمان های غیر دولتی معمولاً وجود فضای فیزیکی برای شرکت زنان را جستجو میکنند.

عقب هر یک نظریه ساده مردم محله میباشد خاطر نشان ساختن و مورد سوال قرار میدهد، آنها برای درک و به عهده گرفتن ارتباطات قدرت جنسیت کمتر موفق بوده اند<sup>۱۳</sup>. تجربه افغانستان به یقین این هدف را در بر میگردد.

### ۳. کار با مردم در محلات

اما با مفاهیم تعادل جنسیت هم عقیده نیستند. این موضوع در تحقیق واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سمگان آشکار شد که مردم قریه مکرراً در مورد اصطلاحات مانند دموکراسی و حقوق صحبت میکردند، اما برای تطبیق کردن این معانی برای شرکت زنان بی علاقگی و بی میلی نشان میدادند.<sup>۱۵</sup>

ممکن میان اهداف سازمان های غیر دولتی و محلاتی که آنها در آنجا کار میکنند تشنج وجود داشته باشد: در حالیکه اولی به این فکر است که چه اندازه آنها میتوانند ارزشها محلی را به حرکت بیاورند تا حضور زنان را تشویق نمایند در حالیکه دومی معتقد است تا سازمانهای غیر دولتی تقاضاهای را مطرح نمایند که مطابق نورم های جنسیت در محل باشد.

در نتیجه، بعضی از بزرگان مایل بر حمایت از اشتراک زنان و ملاقاتهای زنان با کارمندان طبقه انان سازمان های غیر دولتی، و یا حتی ملاقات های مشترک میان زنان و مردان می باشند. در حالیکه، آنها خودشان بر ارزش های فوق جهت بهبود اشتراک زنان باور ندارند. آنها بسیار خوب میدانند که حضور اشخاص که از بیرون میایند فقط برای موقت بوده، و نشان دادن تمایل جهت شمولیت زنان باعث جلب امداد شده میتواند.

#### دانش و رهبری

چالش مهم دیگر برای ارتباط گرفتن با محلات به تصور عام در محلات که دانش زنان "ناکامل" است مرتبط میشود.

در حالیکه مردم قبول دارند که زنان توانایی بعضی از تصمیم در خانواده را دارند. زنان و مردان همیشه معتقد هستند که زنان دانش لازم برای سهم گیری در فعالیت های انکشافی را ندارند. به طور مثال در پنجوا، مردان یک محله به تحقیق گران گفتند

قانونمند با یک محله میباشد. در عین حال این روند به سازمانهای غیر دولتی توانایی میبخشد که روی یک "نهاد شناخته شده" که ترکیب و عمل کرد آن برای همه قابل فهم است، اتکا نماید.

نمود بازبزرگان انکشافی روی تشویق نمودن اشتراک دارند حد اقل هتماً متکی بر این میباشد که تصمیم گیران در یک محله باور داشته باشند که چی مفاد در عوض به دست خواهند آورد. ممکن میان اهداف سازمان های غیر دولتی و محلاتی که آنها در آنجا کار میکنند تشنج وجود داشته باشد: در حالیکه اولی به این فکر است که چه اندازه آنها میتوانند ارزشها محلی را به حرکت بیاورند تا حضور زنان را تشویق نمایند در حالیکه دومی معتقد است تا سازمانهای غیردولتی تقاضاهای را مطرح نمایند که مطابق نورم های جنسیت در محل باشد.

یکی از راه های که این بحران از آن به وجود میاید "لسان پیشرفت" میباشد. در حالیکه بعضی محلات یک همبستگی ظاهری نشان خواهد داد. مشاهده نزدیک حرکات نهاد های محلی اکثرآ آشکار میسازد که "زنان جایگاه خود را در چارچوب هرم قدرت اجتماعی بهتر میدانند که نباید نگرانی های خود را اظهار کنند و با مردان موافقت نمایند. رهبران قریه، و بزرگان خانواده از طبقه ذکور و غیره، همیشه زنان اصلی که آواز خود را بلند میکنند از محله خود هدایت میدهند که موضوعات خاصی را در ملاقات ها با اشخاصی که از بیرون میایند بالا کنند." <sup>۱۴</sup> مردم زیباتری محلات آموخته اند که جهت ارائه فعالیتهاشان با برنامه های انکشافی چطور حرف بزنند و هر آنچهیزی را که برنامه ریزان میخواهند بشنوند، بگویند.

<sup>۱۵</sup> این مشکل بعضی اوقات در میان پرسونل نهاد های بین المللی، دونه ها، سازمان ملل و سازمانهای غیر دولتی نیز ملاحظه شده است. کسانی که خود شان هم درک میکنند که تعادل جنسیت یک هدف است اما خودشان هم نمیدانند و تصدیق نمیکنند.

<sup>۱۳</sup> ریوز و بادن (Reeves and Baden)، سال ۲۰۰۰، صفحه ۶  
<sup>۱۴</sup> آذربایجان مقام، سال ۲۰۰۲.

محلّی در بعضی جاها در حالت تغییر میباشد، به خصوص در مناطق شهری، و همچنان در مناطق روستائی. تمام مطالعات موضوعی که واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انجام داده است در یافت نموده است که سیستم رهبری فعلی نیازمند به آموزش و همچنان مهارت های ارتباط لازم میباشد. این هدف شامل توانمند سازی کارمندان سازمانهای غیر دولتی میشود تا ضروریات برخورد با نیازمندیهای عنعنوی را بیاموزند.

تقاضای عنعنوی دیگر برای رهبران توانمندی تهیه منابع به مردم محل از قبیل مواد، کار، پول و امنیت میباشد بنا بر این، حتی اگر مردم در حاشیه گذاشته شده صدای در امور محلی دارند، برای آنها انگیزه مبنی بردسترسی بر منابع محدود خواهد بود تا در روند تصمیم گیری محل تبدیل شود.

در مطالعه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، زنان و مردان هر دو در باره اینکه آیا زنان میتوانند در رهبریت شامل باشند شک داشتند. با وجود این، به خصوص در مناطق شهری باشندگان نظریات واضح در باره معیار رهبری زنان در مقابل رهبری مردان داشتند. زنان که در رهبری قرار میگیرند باید تحصیل کرده بوده مردم و فامیل خود معاونت نماید. در مناطق روستائی کارمندان سازمان های غیر دولتی و اعضای محلی در مناطق روستائی دریافته اند که زنان نیز مستلزم آزادی تحرک میباشند، تا بتوانند ملاقات های با زنان داشته و آنها را به کار اندازند

بنابر نقش ها و مسؤلیتهای مختلف زنان و مردان، و ارزش های که مربوط به آنها میشود، رهبران زن ظرافت بیشتر به خرج خواهند داد اگر فعالیت شان به محله و در عین زمان به خانواده شان مفید تمام نشود.

### مردان-و زنان-به حیث موانع

برخلاف این عقیده که زنان دانش محدود دارند، مردان میدانند که زنان بعضی اوقات معلوماتی را که میان مرد و زن وجود دارد با هم شریک سازند. با انجام این کار، آنها معلوماتی را فاش میسازند که به ابرو و حیثیت خانواده در محل میتواند زیان آور باشد. و این شک و تردید های در مورد اشتراک زنان در نهاد های جدید محل به وجود آورده میتواند در صورتیکه همین مردان از فعالیتی که اشخاص خارج محل انجام میدهند معلومات درست نداشته باشند. اگر مردان باور داشته باشند که اشتراک زنان در بیرون از واحد خانواده به آنها مفادی نمی رساند آنها بیشتر مایل به ممانعت خواهد شدند. مفهوم شرم همچنان نقش مهمی را بازی میکند: بخاطریکه قابل قبول نیست که زنان با مردان دیگر صحبت کنند، حضور زنان در روابط عامه میتواند باعث به وجود آوردن یک درک منفی از خانواده شود. مردان بیشتر به اجازه دادن اشتراک زنان بی میل می باشند.

در حالیکه مردان از داشتن قدرت و کنترل روی زنان بهره مند اند، آنها خودشان از اشتراک در تصمیم گیری محل به حاشیه قرار

### تشکیل گروه های زنان

سازمان های غیر دولتی و نهاد های دیگری که به سطح محلی برنامه ریزی مینمایند مایلند که گروه های مختلفی زنان تشکیل بدهند تا زنان را گرد هم بیاورند و به آنها یک اندازه صلاحیت در تصمیم گیری محلی بدهند. اما ساختن گروه ها همیشه کار سهلی نیست - در حقیقت یک اشتباه برنامه انکشافی افغانستان در گذشته ساختار گروه های مبنی بر ساحه جغرافیائی تا اینکه در جاهایکه گروه های اجتماعی و شبکه ها قویتر هستند، باعث گردید.

بعضی از سوالهای که باید قبل از ساختن گروه زنان مد نظر گرفته شود به شکل ذیل میباشد:

- آیا زنان برای اشتراک در گروه ها یک انگیزه قوی دارند، خصوصاً اگر اشتراک در گروه ها کاری باشد که طبیعاً شامل کارهای نباشد که آنها انجام میدهند؟
- آیا زنان خود مختار هستند یا میتوانند که به این گروه ها پیوندند آنها تا چه حدی اجازه سفر دارند؟
- چقدر وقت را در بر میگیرد؟ آیا برای کسانیکه وقت ضیق دارند سهولت های مانند موا ضبط اطفال و یا سیستم دیگری حمایه وی وجود دارد؟

مأخذ از آزر بایجان - مگام، سال ۲۰۰۲

که برای صحبت کردن با زنان آزاد هستند ولی به آنها گفتند که "زنان چیزی نمیدانند". زنان خودشان هم این جمله را تکرار میکردند که آنها دانش کافی تصمیم گیری را ندارند. این ضعف ناشی از احساسات از طرف کارمندان سازمان های محلی غیر دولتی، که تصور کنند زنان دانش کافی برای اشتراک ندارند، و از راه های که زنان میتوانند معلومات محلات بزرگ را به دست بیاورند و معلومات خود را به آنها بدهند که آگاهی ندارند، تقویت شده است.

تعلیم و تربیه رسمی، آموزش و برنامه های سواد آموزی میتواند این مانع را از میان بردارد طوریکه در هرات مشاهده شده است، در جاییکه برنامه های همبستگی ملی تصورات منفی از دانش زنان را کم اهمیت نموده است. اما دریافت دانش هم چالش های خود را دارد. به طور مثال در سمنگان، مردم قریه به اشخاصیکه از بیرون میرفتند میگفتند که آرزوی آنها در مورد تعلیم و تربیه پسران و دختران یکسان میباشد. در حالیکه به مکاتب دختران در حقیقت اولویت داده نشده بود. و انزوای ذهنی و فزیکتی زنان از روند پیشرفت در این ساحات نشان میداد که مردم قریه در گفتن مسایلی که آنها میدانستند که برای استفاده فند های انکشافی درست در اولویت قرار دارد، منظم بودند.

کم شمردن دانش زنان روی توانائی اشتراک زنان در تصمیم محلی و همچنان برای گرفتن مسؤلیت رهبری، تاثیر میگذارد. داشتن دانش از صفت های خوب رهبری میباشد، اگر چه بیشتر صفات مانند صداقت، رویه خوب و قابل اعتماد بودن در هر دو زن و مرد یکسان میباشد. با وجود این، معیار رهبریت در نهاد های

سمنگان انجام شده است، زنان روستائی اکثرأ میگفتند که برای زنان که تازه عروسی کرده اند در اجتماع قابل قبول نیست که در بیرون از خانه به چشم دیده شوند تا زمانیکه دارای چند فرزند نبوده و نام زن خانه به آنها داده نشده باشد.

ارتقای حقوق و برابری جنسیت در چنین نورم های فرهنگی چالشی متداوم میباشد. تردد میان تمرین کننده گان توسعه و پالیسی سازان برای کنار زدن این موانع اجتماعی و فرهنگی هنوز هم موجود است. این یک واکنش قابل درک است که از تلاش های گذشته و حال خصوصاً در مناطق روستائی و بیشتر محافظه کار به میان آمده است. هنوز، حدی که این رهنمود ها بر اساس فرضیات که چی چیزی در هر یکی از محلات اجازه داده خواهد شد و چی چیزی اجازه ده نخواهد شد- و اینکه زنان و مردان چی میخواهند- لازم است به سوال گرفته شوند.

خواهند گرفت. در نتیجه آنها مانع از اشتراک خودشان (و یا قلت بعد آن) در اینچنین فعالیتها خواهد شدند. و تصمیم خواهد گرفتند که آنها هیچ مفادی در این نمی بینند و حتا احتمالی کمی وجود دارد که اشتراک زنان کدام تغییر مثبت خواهد داشت. بر عکس، اگر باور کنند که اشتراک زنان ارتقای اعتبار خانواده شود، آنها را تشویق به اشتراک مینمایند.

گمان میرود که مردان مسؤلیت عمده در مانع شدن اشتراک زنان دارند، اما این فرضیه یک پدیده دیگری رانادیده میگردد و ان نقشی است که زنان در کنترل اجتماعی زنان دگر بازی میکنند. از مطالعه ۳۰ نهاد برنامه همبستگی ملی در یافت شده است که به صورت عام زنان مسن مانع دسترسی به معلومات پروگرام همبستگی ملی و اشتراک زنان جوان در برنامه ها میشوند، حتی اگر محدود بر اشتراک در انتخابات شورای انکشافی محلی باشد. به همینسان در مطالعه که روی تصمیم گیری در

## ۴. راه های به پیش

- پس این چالشهای جاری به بازیگران انکشافی در کارکردن روی جنسیت چی معنی را افاده مینماید؟
- راه های زیاد وجود دارد که به وسیله آنها پالیسی سازان، کمک دهندگان، سازمانهای غیر دولتی و دیگران میتوانند اشتراک زنان را در روند انکشاف تقویت بخشند. اینها به یک توازن در میان نشان دادن یک زمان کوتاه - تاثیر سریع و پیش رفتن با روند های طویل المدت، نیازمند میباشد. کمبود دوامدار دسترسی به منابع اساسی بسیار مهم و زیربنایی در سراسر افغانستان، همراه با بقیه نیازمندیها برای کار بشری یک محیط بعد از جنگ، به معنی این است که هنوز هم کار های در کوتاه مدت باید انجام شود، اما این نباید در درازمدت از نظر انداخته شود. در محلات سازمانهای غیر دولتی، نماینده گی های سازمان ملل و دفاتر ولایتی دولت افغانستان میتوانند که برای ارتقای آگاهی برابری جنسیت در شرایط افغانستان در میان کارمندان ذکور و اناث کار بیشتر نمایند. این امر را میتوان بطور ذیل اجرا نمود:
- بررسی روش کارمندان داخلی و درک مفاهیم جنسیت، که میتواند یک زمینه برای حمایت کارمندان جهت شناخت ارتباط میان مسایل جنسیت و محدوده پروگرام های که آنها روی شان کار مینمایند ایجاد نمود و آنها را برای ارتقا برابری جنسیت تشویق نمایند.
- تضمین شود که استخدام کردن کارمند، پالیسی و روندها، و دیگر رهنمود ها در ضرورت جنسیت در نظر گرفته شده و تمام کارمندان قبل از پیوستن به این نهاد یا ادارات مربوط در عرصه جنسیت آموزش داده شوند.
- استخدام کارمندان زن و مرد که مایل به آگاهی و حمایت اهداف آن نهاد و برنامه های که برایشان کار مینمایند باشند- و انگیزه برای کارمندان ایجاد شود تا ارزش های لازم را در کار خویش با محلات بهبود بخشند.
- فراهم آوری زمینه های آموزش دراز مدت و فرصتهای تجربوی آموزش برای کارمندان تا آنها را توانمند به این سازد که ارتباطات میان مفکوره ها و اهداف جنسیت را بوجود بیاورند، در عین حال بهترین تمرینات داخلی را در پروسه استخراج نمایند. آموزش به خصوص برای کارمندان وزارت ها خیلی مهم میباشد و باید شامل آموزش در جمع آوری معلومات و تحلیل برابری جنسیت در برنامه ها و پالیسی ها باشند.
- بر علاوه براه اندازی کار گروهی و میتود های حل منازعات در آموزش. باید توانائی کارمندان را جهت بهبود فضای درک دانش زنان و مردان، منبع تفاوت و تبعیض، تدابیر بیشتر منصفانه برای انکشاف محل مورد بحث قرارگیرد.
- برخورد مناسب که میتوانند توسط پالیسی سازان و کمک دهندگان جهت افزایش بیشتر ارتباط با زنان و مردان در محل برای شناخت بهتر از مسایل جنسیت در شرایط افغانستان اتخاذ گردند عبارت است از:
- استخدام کارمندان شایسته و متعهد به امور جنسیت در ادارات مربوط به وزارت های زنان، احیا و انکشاف دهات، صحت عامه و معارف و دیگر دفاتر مربوط تا با کارمندان



- محلی روی موانع و فرصتهای که برنامه اهداف تعادل جنسیت با آن مواجه است مشورت نمایند.
- ایجاد تفکر میان کارمندان دولتی در سطح محل تا آنها قادر به تشخیص مسایل جنسیت و انکشاف استراتژی های کارمندان زن و مرد در محل بوده و با در نظرداشتن شرایط محل با آنها برخورد نمایند.
- با کارمندان محلی کار نمایند تا شاخصهای مشخص مربوط به شرایط اهداف جنسیت و ابزار نظارت منظم را به کار ببرند.
- همچنان، پالیسی سازان و کمک دهندگان باید طوری کار نمایند تا تدابیر مخصوص سکتوری، معیارهای تعادل جنسیت را در مقابل چیزی که در عمل رخ داده است و تثبیت خلاها و ساحات هماهنگی، را درک نمایند. که میتوان آنها را به اشکال ذیل انجام داد:
- ایجاد هماهنگی میان کمک دهندگان ذیربط، نماینده گی های سازمان ملل و وزارت خانه ها جهت مقایسه و اختلاف اهداف مربوطه و اینکه چطور آنها را در عمل پیاده کرد. در حالیکه این یک وظیفه بزرگی است، یک نقطه آغاز میتواند این باشد تا گروه های مشورتی را دخیل ساخت تا ابتکار آغاز پروسه را به دست گرفته و شفافیت بیشتر را میان بازیگران امور مربوط به جنسیت تشویق نماید.
- اختصاص زمان و منابع برای نظارت و ارزیابی برنامه ها و پروژه های واقعی و پروژه های که پیشنهاد شده اند و یا پلانگذاری شده اند. اینکار باید توسط گروه های که در امور جنسیت، سکتور های مناسب، شرایط محل تخصص دارند، انجام داده شود.
- تبلیغات بیشتر روی موفقیت ها صورت گرفته و تا جاییکه مقدور باشد زمینه ظرفیت سازی و آموزش را به منظور اطمینان شان فراهم ساخته شود.
- بلاخره، فعالین امور انکشافی به صورت حتمی باید منابع را جهت طرح و تمویل پروژه های دراز مدت با در نظرداشتن مسایل مربوط به جنسیت، اختصاص دهند. به خصوص در قسمت های:
- هماهنگ ساختن طرح برنامه و تمویل درازمدت پروژه های غیر جنسیت تا منابع که قبلاً به مصرف رسیده به منابع مبدل شده و اطمینان حاصل شود که آنها مانع پیشرفت مساوات جنسیت در درازمدت نمیشوند.
- تشویق اشتراک کارمندان در محل (قریبه ها و گذرها) تا دانش آنها، در شرایطی که آنها کار میکنند، مد نظر گرفته شده باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک موسسه مستقل تحقیقاتی است که مطالعات و تحقیقات قابل‌تعمیل را انجام داده تا جهت تسهیل پروسه پالیسی‌سازی و فعالیت‌های اجرایی‌ی مورد استفاده قرار گیرد. علاوه‌تاً واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با جدیت بر آن است تا فرهنگ تحقیق را از طریق ارتقای ظرفیت‌های تحلیلی، ایجاد فرصت‌ها برای تحلیل و تجزیه اطلاعات و فضای بحث و گفتگو گسترش دهد. عمده‌ترین هدف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اینست تا از طریق فعالیت‌هایش، روند زنده‌گی مردم این کشور را بهبود بخشد. این اداره توسط جوامع کمک‌کننده تاسیس شده است و نماینده‌گانی از دونه‌ها، سازمان ملل متحد موسسات غیر دولتی و موسسات مختلف دیگر منجبت هیأت رؤسا در آن اشتراک دارند.

هم‌اکنون این اداره توسط کمیسیون اروپا، دولت‌های دنمارک، سویدن و سویزرلند، بنیاد مهاجرین هالند (Stichting Vluchteling)، دبپارتمنت‌انکشاف بین‌المللی بریتانیا (DFID)، هیأت کمک‌کننده سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین (UNHCR) و بانک جهانی تمویل می‌گردد.

برای معلومات بیشتر و حصول نشریات این موسسه، به این آدرس تماس گیرید:

چهار راهی انصاری، (مقابل هتل انصاف و رستوران پاپولانو)

شهر نو، کابل - افغانستان

تلیفون: ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹ (۰) ۹۳+

ویسایت: [www.areas.org.af](http://www.areas.org.af)

آدرس الکترونیکی: [areas@areas.org.af](mailto:areas@areas.org.af)